

دایان مورگان

کانت برای معماران

ترجمه‌ی دکتر سعید حقیر
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



سرشناسه	مورگان، دایان، ۱۹۶۳-م.
عنوان و نام پدیدآور	کانت برای معماران/دایان مورگان؛ ترجمه‌ی سعید حقیر
مشخصات نشر	تهران: کتاب فکر نو، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۸۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۴۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
رده بندی کنگره	۱۳۹۸-۵۲۰۹۰۷/۵۱۲۷۷
رده بندی دیویی	۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۹۶۷۵۷



دایان مورگان

کانت برای معماران

ترجمه‌ی: دکتر سعید حقیر

مدیر تولید	آرش حیدریان
طراحی جلد	آرش حیدریان
چاپ اول	۱۳۹۹
لینوگرافی	ولیعصر
شمارگان	۵۰ نسخه
قیمت	۳۵۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۴۶-۶

فروشگاه و مرکز بخش کتاب

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۶

کتاب فکر نو ۶۶۴۱۶۱۰۰

فروشگاه اینترنتی فکر نو؛ خریدی کاملاً متفاوت را تجربه کنید

● Fekrenobook.ir

● Fekrenobook

● Fekreno

فهرست

۷.....	پیشگفتار مترجم.....
۱۳.....	پیشگفتار نویسنده.....
۱۵.....	پیشگفتار ویراستار مجموعه.....
۱۷.....	مقدمه.....
۱۹.....	حالا چرا کانت؟.....

// فصل اول: مکان‌یابی کانت_۳۳

۳۳.....	شهر کونیگسبرگ / کالینگراد.....
---------	--------------------------------

// فصل دوم: کانت ، پروژه انتقادی و معماری_۴۹

۶۲.....	چه چیز معماری در قیاس با سایر هنرهای بصری متمایز است؟.....
۶۴.....	آیا یک خانه لزوماً باید عمودی باشد؟.....
۶۸.....	آیا خانه لزوماً مستحکم و ثابت است؟.....
۷۱.....	سربه فلک کشیدن، ساخت برج چند منظوره؟.....

// فصل سوم: موقعیت ارزشمند معماری و نسبتش با زیبایی_۷۷

۷۹.....	آیا معماری برای زیبا بودن امری بسیار واقعی است؟.....
۸۸.....	زیبایی متوجه چیست؟.....
۹۰.....	امر زیبا، رؤیای آرمانی و جهان «واقعی» فرهنگ مصرفی.....

// فصل چهارم: از امر والا تا جهان میهنی_۱۳۱

۱۳۴.....	سنجش امر والا و رابطه‌اش با معماری.....
۱۴۵.....	امر والا، طبیعت و مفهوم گسترش یافته از معماری.....

// فصل پنجم: ساخت جهان میهنانه؟ «جغرافیای سیال» و «اندیشه جامع»_۱۵۳

۱۵۵.....	نقطه نظر جهانی و معماری.....
۱۶۰.....	تنش به مثابه نیروی ساختی.....

// نتیجه‌گیری: معماران آینده متحد!_۱۶۷

// برای مطالعه_۱۷۱

// منابع_۱۷۳

پیشگفتار مترجم

زمانی که ترجمه کتاب «کانت برای معماران» را به پیشنهاد دوست فرهیخته‌ام آرشد حیدریان قبول کردم هرگز گمان نمی‌کردم که با چالشی چنین پیچیده مواجه شوم. چراکه ظاهراً، من هم فلسفه می‌دانم و هم معماری (حداقل خودم این‌طور فکر می‌کردم) و در ضمن حدود دوازده سال است که مبانی اندیشه‌های کانت را در حوزه‌های زیبایی‌شناسی و نقد در دانشگاه تدریس می‌کنم؛ بنابراین تصور می‌کردم چالشی سه‌ماهه است که با وسواس‌های فکری من می‌تواند به حداکثر شش ماه برسد.

اکنون که این پیشگفتار را می‌نویسم به معنای آن است که کار من به عنوان مترجم بر روی این کتاب تمام شده است و جالب است بدانید از زمان قبول این ترجمه بیش از دو سال می‌گذرد. اندکی از این زمان را می‌توان ناشی از تنبلی و گرفتاری‌های شخصی من دانست که واقعاً زمان تأخیرگذاری در فرآیند این ترجمه نبود.

فهم کلی کتاب حاضر زمانی طولانی از من گرفت، در حالی که نوع نوشتار متن نیز به‌غایت پیچیده بود و برای من که زبان اول خارجی‌ام فرانسه است و انگلیسی زبان دوم من محسوب می‌شود، مرا مدام وامی‌داشت تا متن انگلیسی کتاب را با متن فرانسوی آن مقابله کنم. در این راستا من از کمک‌های ارزشمند دانشجوی سابقم در دانشگاه تهران، بانو نیلوفر رسولی نیز بسیار بهره‌مند شدم که از او بسیار سپاسگزارم. بازخوانی اولیه ترجمه را به دانشجوی سابق دیگرم آقای رضا صادری سپردم. به این نیت که دریابم یک معمار از این ترجمه چه برداشتی می‌کند. رضا با حوصله بسیار متن را کلمه به کلمه خواند و برایم یادداشت‌هایی گذاشت که مرا در برخی موارد برآشفته و ولی حق با او بود. کتاب به اصطلاح خودش بسیار ثقیل الفهم بود.

پس از بازنگری مجدد، ترجمه اولیه کتاب را در اختیار ناشر پرحوصله‌ام، انتشارات کتاب فکر نو، قرار دادم. باید اعتراف کنم که داشتن یک ناشر فرهیخته اقبالی است که به سادگی به دست نمی‌آید. علی‌رغم تمام تأخیرات انجام شده در انتشار این کتاب که تماماً متوجه من بود، ناشرم از من خواست که هنوز هم کتاب را برای فهم بیشتر، ساده‌نویسی کنم. این کار حدود شش ماه دیگر از من زمان گرفت و من را واداشت تا پی‌نویس‌های بیشتری نیز

به متن اضافه کنم؛ و اکنون این کتاب با شکل حاضر در اختیار شما خواننده اندیشمند است. مطالعه اولیه کتاب مرا با متنی به‌غایت پیچیده مواجه کرد. متنی که برداشتی کاملاً شخصی از نظر نویسنده کتاب (دایان مورگان) از ادراکش در مورد کانت است. در حقیقت ادراک دایان مورگان از کانت یک ادراک یگانه است که احتمالاً خود کانت هم به آن واقف نبوده است. ولی چه باک از این اندیشه ناب. مگر نه آنست که کانت ما را به اندیشیدنی بی‌حد می‌خواند. پس چرا نباید بر روی اندیشه‌هایش نظری چنان متفاوت افکند که گویی کانت دیگری متولد شده است.

شاید بزرگ‌ترین ویژگی کانت در شکستن دو دستگاه فلسفی‌ای بود که هزاران سال بی‌هیچ بحثی پایگاه دریافت حقیقت در نزد انسان را تجربه حسی (آمپیریسم^۱) یا خرد (راسیونالیسم^۲) می‌دانستند.

ایمانول کانت^۳ به ما نشان داد که می‌بایست پای از مرز فلسفه امپیریست و راسیونالیست فراتر گذاشت. او مردی بود که این مایه‌ها و مواد خام را در بزرگ‌ترین دستگاه اندیشه‌ای که همسنگ اندیشه افلاطون^۴ است باهم ترکیب کرد و به جهان عرضه نمود؛ و به این معنا می‌توان او را بزرگ‌ترین فیلسوف دوران مدرن دانست.

اساس کار راسیونالیست‌ها و امپیریست‌ها پس از دوران رنسانس باآنکه خود با یکدیگر در تضاد بودند، اندیشه علمی بود که فیلسوفان نیز همین اندیشه علمی را با حرارت و شدت بیشتری رواج می‌دادند.

جالب آنست که کانت هرچند با این دو مکتب به به‌صورت رسمی توافقی نداشت، ولی بر حقانیت اندیشه علمی صحنه می‌گذاشت و به ویژه اندیشه‌های علمی نیوتن^۵ را پذیرا بود. کانت در واقع و بدون هیچ بحثی، بزرگ‌ترین کسی است که رسماً اولین فیلسوف مدرنیته

۱- Empiricism: یکی از گرایش‌های اصلی در شناخت‌شناسی و نقطه مقابل عقل‌گرایی است. بر اساس این دیدگاه همه معرفت‌های بشری مستقیم یا غیرمستقیم برآمده از تجربه است. تجربه از منظر این دیدگاه نه فقط ادراک حسی بلکه دریافت‌هایی مانند حافظه یا گواهی دیگران را هم در برمی‌گیرد. م.

۲- Rationalism: معنی تکیه بر اصول عقلی و منطقی در اندیشه، رفتار و گفتار است. این کلمه هنگامی که در ارتباط با متفکران نخستین قرن هفدهم از جمله رنه دکارت، باروخ اسپینوزا و گوتفرید لایب‌نیتس به کار رود، به معنای باور به عقل به عنوان تنها منبع معتبر شناخت است. این متفکران تلاش نمودند حقایق اصلی هستی را از راه برهان و استدلال عقلی اثبات کنند. م.

3- Immanuel Kant (1724-1804)

4- Plato (427-347 BC)

5- Isaac Newton (1643-1727)

خوانده می‌شود چون مسیر حرکت فکری فلاسفه را در مغرب زمین تغییر داد و بانی مکتب ایده‌آلیسم آلمانی^۱ بود. - هرچند که برتراند راسل^۲ با این مطلب موافق نبود. -

فلسفه «کانت» بر تمام اندیشه قرن نوزدهم مسلط بود و هیچ مسلک فلسفی تا این حد تأثیر و نفوذ نداشت. تأثیر کانت بر دنیای فلسفه پس از خود تا حدی است که شخصاً معتقدم که تمامی فلسفه بعد از کانت حاشیه‌ایست بر فلسفه او. در واقع تمام فعالیت فلسفی «کانت» بر مبنای شکل‌دهی به فرمی جدید و منطقی از «اندیشه انتقادی» بود. او با نگارش کتاب «نقد خرد ناب» در سال (۱۷۸۱) اندیشه انتقادی را تا به امروز حاکم بر اندیشه‌ها و نظرها کرد.

کانت نه با راسیونالیست‌ها توافق داشت و نه با امپریسیست‌ها. اختلاف نظر کانت با راسیونالیست‌ها در این بود که وی به کشف قوانین طبیعت صرفاً از طریق عوامل دقیق و مشخصی که خرد آدمی قادر به درک آن است، معتقد نبود. اختلاف نظر «کانت» با امپریسیست‌ها نیز در این بود که می‌گفت، کشف قوانین طبیعت صرفاً با مشاهده و تجربه صورت نمی‌پذیرد. به اعتقاد وی، به راسیونالیست‌ها طبیعت قوانین خود را به آدمی عرضه نمی‌کند، بلکه این آدمی است که با ذهن خود و یا دقیق‌تر بگوییم با مفاهیم ذهنی خود به کشف قوانین طبیعت می‌پردازد. از این رو، بی‌مناسبت نیست که از گفته سی. ای. لوئیس^۳ صاحب نظر انگلیسی-آمریکایی استفاده شود که پس از کانت «نظم جهان به ذهن وابسته شد».

به عقیده کانت، هرکس طبیعت و قوانین آن و جهان و رویدادهای آن را برحسب مفاهیم ذهنی خود تعبیر می‌کند و در واقع حقیقت در بیرون از آدمی وجود ندارد و تنها در ساحت ذهن آدمی است که حقیقت معنا می‌شود. او معتقد است که نه از طریق آمپریسیسم و

۱- German idealism: نام جنبشی در فلسفه آلمان است که در دهه هشتاد سده هجدهم میلادی آغاز و در دهه چهل سده نوزدهم پایان یافت. مشهورترین نمایندگان این جنبش، کانت، فیشته، شلینگ و هگل هستند. هرچند تفاوت‌های بزرگی میان این چهره‌هاست، اما همگی در پذیرش ایدئالیسم، مشترکند. ایدئالیسم استعلایی کانت، آموزه فلسفی معتدلی درباره تمایز میان پدیدارها و اشیاء فی‌نفسه بود که مدعی بود متعلق‌های شناخت انسان، پدیدارها هستند و نه اشیاء فی‌نفسه. فیشته، شلینگ و هگل، با تبدیل ایدئالیسم استعلایی کانت به ایدئالیسم مطلق این دیدگاه را به‌افراط کشاندند. اهمیت ایدئالیسم آلمانی در این است که دربردارنده برداشتی نظام‌مند از همه بخش‌های فلسفه است؛ از جمله: منطق، مابعدالطبیعه و شناخت‌شناسی. فلسفه اخلاق و سیاست و زیبایی‌شناسی. همه نمایندگان ایدئالیسم آلمانی، این بخش‌های فلسفه را دارای جایگاهی در نظام کلی فلسفه می‌دانند. م.

2- Bertrand Russell (1872-1970)

3- Clive Staples Lewis (1898-1963)

نه از طریق راسیونالیسم، نمی‌توان به «حقیقت» رسید. برای تحصیل و تولید «حقیقت» طریق ثالثی وجود دارد که از هر دو طریق فوق‌الذکر کارتر است. چراکه این نظریه نه به دنبال کسب حقیقت و نه به دنبال پایگاهی برای دریافت حقیقت در نزد آدمی است. بلکه در این نظریه ما حقایق را می‌سازیم و تا زمانی این حقایق برای ما حقیقت محسوب می‌شوند که نقد مؤثری بر آن وارد نشده باشد. به این معنا، با نقد است که حقیقت «بود» خود را تغییر می‌دهد و به حقیقتی دیگر تبدیل می‌شود؛ بنابراین ما نه‌تنها که حقیقتی نداریم بلکه پایگاهی نیز برای دریافتش به معنای مطلق آن نمی‌شناسیم. در عوض مکانیسمی برای تولید حقیقت‌ها داریم. این نظریه که به کربیتی‌سیسم^۱ معروف است، از مبانی اساسی اندیشه کانت است که بعدها در ایده‌آلیسم آلمانی بسیار مورد استفاده قرار گرفت؛ و تمامی فلسفه مدرن را بر پایه خود نهاد.

کانت در کتاب «سنجش خرد ناب» (۱۷۸۱) کار ناقد را چون کار داوران در دادگاه می‌داند و تا به آنجا پیش می‌رود که در پیشگفتار ۱۷۸۱ کتاب، روزگار خود را عصر انتقاد می‌خواند:

دوران ما، دوران واقعی سنجش [انتقاد] است که همه چیز باید تابع آن باشد

او در مقاله «روشنگری چیست؟» به این نکته توجه کرد که: روشنگران کوشیدند تا نقادانه روزگار خودشان را بازشناسند؛ یعنی ادراک امروز را مسئله مهم فلسفه دانستند. چنین به نظر می‌رسد که اندیشه انتقادی مفهومی جدانشدنی از مدرنیته است. این نکته را می‌توان در کار کانت که به حق می‌باید او را «فیلسوف مدرنیته» خواند باز یافت. مدرنیته بر اساس نقد سنت‌ها شکل گرفته است و همواره استوار به سخن نقادانه پیش رفته است. حکم کانت بی‌شک به معنای «بیداری از خواب دگماتیسم و گذر به اندیشه انتقادی» است.

نگاه اصلی کانت این است که بدون انتقاد دقیق، نباید هیچ چیز را پذیرفت و پیش از ارزیابی حدود، شناخت ارزشی را نمی‌توان مسلم انگاشت. او در سه کتاب مهم خود به سنجش یا نقادی خرد ناب، خرد پراتیک و نیروی دآوری پرداخت. از زاویه دید کانت هر

سنجشی به ضابطه و سنگ محکی نیاز دارد؛ و می‌توان به جرأت ادعا کرد که تمام تلاش فلسفی کانت و بنیان عظیم فکری او در دستیابی به آن سنگ محک بود.

تفاوت اساسی او با سایر روشنگران در این بود که سایرین «نقادی» را از «بیرون دآوری کردن» و توجه به متن و یا کنش یا ایده‌ای همچون ابژه می‌دانستند. حال آنکه برای کانت نقادی، کنشی است در سوژه و یا در درون ذهن.

از دید کانت خرد، خود را نیز دآوری می‌کند و می‌سنجد و به همین لحاظ عنوان کتاب «سنجش خرد ناب» دارای ابهام بزرگی است؛ چراکه خرد ناب هم کنش سنجش را به انجام می‌رساند و هم خود سنجیده می‌شود و فاعل این سنجش در عنصری خارجی نیست بلکه خود خرد است؛ پس می‌توان ادعا کرد که نقادی کانت نقد از خود مدرنیته است.

کتاب حاضر با نگرشی بدیع سعی داشته که نقد هوشمندانه و در عین حال پیچیده‌ای از نگاه‌های فلسفی کانت به معماری داشته باشد و برای این کار آن را در پنج فصل مورد مطالعه قرار داده است.

در فصل اول این کتاب به کانت به مثابه شهروندی در زادگاهش می‌نگرد. شهروندی که در نگاه مورگان علی‌رغم معمولی بودنش اصلاً یک شهروند عادی نیست، او هرگز شهرش را ترک نکرده و رفتار ساعت‌وارش او را به موجودی متمایز در شهر بدل کرده است. در ضمن شهر او (کونیگسبرگ) نیز از نگاه نویسنده دارای ویژگی‌های فلسفی خاصی است. به این ترتیب نویسنده سعی می‌کند رابطه معنایی خاصی میان مفهوم مکان و کانت برقرار کند. در فصل دوم نویسنده سعی کرده رابطه‌ای میان اندیشه انتقادی کانت و معماری برقرار کند هرچند که شاید برداشت او با کانت در اندیشه انتقادی چندان همخوان نیست لیکن تلاش موافقی است از یک متفکر معاصر. فصل سوم کتاب بسیار پرحجم‌تر و به‌غایت عمیق‌تر است. در این فصل به نسبت معماری و زیبایی از نگاه کانت می‌پردازد. در این فصل نویسنده مبانی زیبایی‌شناسی کانت را به‌گونه‌ای تبیین می‌کند که ما ناگزیر از پذیرش مصادیقش در معماری می‌شویم. روشی که ما را بیشتر به یاد راهکارهای شوپنهاور در مباحثه می‌اندازد تا یک روش کانتی. کتاب در فصل چهارم دو موضوع جذاب دیگر از اندیشه کانت را به میان می‌کشد یکی بحث امر والا و دیگر نگاه جهان‌میهانه کانت را. در این فصل مورگان تلاشی باشکوه در راستای توصیف تفاوت میان امر زیبا و امر والا از نگاه کانتی دارد. تلاشی درخور ستایش که این فصل را از بقیه فصول کتاب خواندنی‌تر می‌کند. در این راستا با استفاده

از متریال‌های فصل اول، بحث جهان‌میهنی کانت را به امر والا نسبت می‌دهد؛ و در فصل پنجم ساخت جهان‌میهنه کانتی را با انجام مقایسه‌ای میان اندیشه‌های فلسفی کانت و اندیشه‌های مهندسی باکمینستر فولر به تطابق می‌کشد. قیاسی که شاید به‌زعم برخی معالفارق ولی برای من مستدل و جذاب است.

در انتهای این پیشگفتار ابراز قدردانی بی‌حد خود را تقدیم ناشر محترم این کتاب می‌کنم که به همه شکل ممکن تلاش خود را برای بهتر به طبع رسیدن این ترجمه انجام داده است و طولانی شدن کار ترجمه را به بهای کیفیت بهتر آن بی‌هیچ آزرگی پذیرا شد. از همه علاقه‌مندان به مباحث نظری در حوزه معماری و زیبایی‌شناسی دعوت به خواندن این کتاب می‌کنم؛ و کاستی‌های این ترجمه را از آن خود می‌دانم و سپاسگزار راهنمایی‌هایتان خواهم بود.

دکتر سعید حقیر^۱

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

پائیز ۱۳۹۸

www.ketab.ir